

رهیافتی به نظریه شعر انقلاب اسلامی در پرتو سخنان رهبر انقلاب اسلامی درباره شعر

حامد صافی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، حادثه‌ای چند بُعدی بود که کشور ایران را از زوایای گوناگون دستخوش تغییر و دگرگونی کرد. ادبیات و به ویژه شعر که از چند دهه پیش از وقوع انقلاب اسلامی، در خدمت مبارزه با رژیم پهلوی قرار گرفته بود، تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی متحول شد. این تحول هم از نظر قالب، فرم، محتوا و... قابل بررسی است. توجه دوباره به قالب‌هایی چون دوبیتی و رباعی، مضمون‌یابی‌های نو در بستر شعرهای عاشورایی، مهدوی، فاطمی و نیز کثرت رویش‌های جوان حاکی از تحول عمیق شعر فارسی در این مقطع تاریخی است که خود ضرورت پرداختن به تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی، سبک شعر انقلاب اسلامی و نظریه شعر انقلاب اسلامی را فرا یاد می‌آورد. در جستار پیش رو، تلاش می‌شود با تحلیل و بررسی سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، درباره شعر، چهارچوب اصلی نظریه شعر انقلاب اسلامی توصیف شود. بر اساس این بررسی، روشن شد که بر اساس نظریه شعر انقلاب اسلامی، شعری ارزشمند است که معناگرا و مخاطب‌گرا باشد. معانی مورد توجه در این نظریه نیز معارف دینی و اخلاقی، مسائل روز دنیای اسلام، ارزش‌های انقلاب و از این قبیل است. مخاطب‌گرا بودن شعر در نظریه شعر انقلاب اسلامی نیز بدین معناست که اولاً شعر باید در برابر جامعه متعهد و موضع‌دار باشد و ثانیاً در زبانی قابل فهم برای مخاطب آفریده شود.

واژگان اصلی:

شعر، انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب اسلامی، نظریه شعر

^۱ . استادیار گروه علوم پایه و دروس عمومی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، خرمشهر، ایران
(نویسنده مسئول)
safi@kmsu.ac.ir

۱- مقدمه

تحولات اجتماعی مهم‌ترین عامل تغییرات سبکی ادبیات به شمار می‌آید. ورود اسلام به ایران، تشکیل حکومت‌های مرکزی سامانیان و غزنویان، حمله مغول، انقلاب مشروطه از نمونه‌های تحولات اجتماعی سیاسی است که تأثیری مستقیم در ادبیات فارسی داشته‌است. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رویدادی چندبُعدی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) و ثمره اعتراضات و تلاش‌ها برای یک تغییر اساسی بود. برای نمونه، همان‌طور که روح امید در کالبد جامعه دمیده شد، فضای تاریک شعر که در دهه پنجاه، تحت تأثیر شعر مبارزه، به حاشیه رفته بود، رو به افول نهاد. این مسأله در مجموعه «دوزخ اما سرد» مهدی اخوان ثالث به وضوح دیده می‌شود. اگر چه شعر اخوان ثالث، همچنان، سرشار از تاریکی بود، کورسویی از امید در این دفتر شعر او به چشم می‌آید که بدون تردید، از تحولات سال ۵۷ سرچشمه می‌گرفت. اخوان در این دفتر، از آغازی دیگر سخن می‌گوید:

می‌دمد شبگیر فروردین و بیدارم

باز شبگیری دگر، وز سال دیگر، باز

باز یک آغاز... (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۰۹)

آسمان در دفتر «دوزخ اما سرد»، روشن و بشکوه است. آفتاب از کوه می‌دمد و این نخستین نوشتند سال است:

آسمان ترگونه بود و روشن و بشکوه

صبح اینک صبح بی‌همتای فروردین

می‌دمید از کوه

آفتابش این نخستین نوشتند سال

طره‌ای زرتار بر پیشانی پاک و بلند سال (همان، ۱۱۱).

هر چقدر از وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ فاصله می‌گیریم، سیطره انقلاب اسلامی، ارزش‌ها و باورهای آن بر شعر فارسی بیشتر می‌شود. تا جایی که از آغاز جنگ و پس از آن، بسامد شاعران و شعر انقلاب اسلامی، فضای جامعه ادبی کشور را در برمی‌گیرد. اکنون پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از وقوع انقلاب اسلامی، می‌توان از تأثیرپذیری گسترده شعر فارسی از این حادثه چندبُعدی سخن گفت و درباره اصطلاحاتی چون «شعر انقلاب اسلامی»، «سبک شعر انقلاب

اسلامی» و حتی «نظریه شعر انقلاب اسلامی» گفتگو کرد. اصطلاح «شعر دوره انقلاب اسلامی» می‌تواند همه جریان‌های شعری را دربرگیرد که در مقطع تاریخی سال ۱۳۵۷ تا کنون قابل بررسی هستند. در این برداشت، انقلاب اسلامی به منزله کمانک زمانی در نظر گرفته می‌شود و پژوهشگر با رویکرد تاریخ ادبیات‌نگاری به سراغ شعر خواهد رفت. در این رویکرد به دنبال یافتن نسبت تاریخ و ادبیات هستیم و می‌کوشیم بیابیم که آیا ادبیات تاریخ خاص خود را دارد و چه ارتباطی میان متن ادبی و تاریخ وجود دارد (فتوحی، ۱۳۸۷: ۳۵). در اصطلاح «سبک شعر انقلاب اسلامی»، ماجرا اندکی متفاوت است و به دنبال ویژگی‌های پربسامدی هستیم که در شعر این دوره قابل بررسی است. به بیانی دیگر، در این حالت با رویکرد سبک‌شناسانه به سراغ شعر فارسی رفته و سروده‌های شاعران را واکاوی کرده و با توصیف ویژگی‌های پرتکرار آثار شاعران، دست به تحلیل می‌زنیم. در وهله سوم و به شکلی عمیق‌تر، هنگامی که از «نظریه شعر انقلاب اسلامی» سخن می‌گوییم، دنیایی دیگرگون در برابر دیدگانمان به تصویر کشیده‌ایم. اینجا دیگر صرفاً در محدوده مطالعات ادبی به سر نمی‌بریم؛ بلکه با نوشته‌ها یا گفته‌هایی سر و کار داریم که به دلیل تحلیل‌هایشان از زبان، تاریخ ذهن یا فرهنگ و برداشت‌های قابل توجه‌شان از موضوعات مربوط به متن یا فرهنگ، در مطالعات ادبی استفاده شده‌اند. اگر بخواهیم نظریه را بر اساس تأثیر عملی آن، تعریف کنیم، باید بگوییم که نظریه چیزی است که بینش مردم را دگرگون می‌کند و آنان را مجبور می‌کند که درباره موضوع مورد نظر، متفاوت بیندیشند. در واقع، یک نظریه، باورهای مردم را به چالش می‌کشد (کالر، ۱۳۹۰: ۱۷). بنابراین هنگام بحث درباره «سبک شعر انقلاب اسلامی»، آن چه را در ساحت شعر آفریده شده، توصیف می‌کنیم و در «نظریه شعر انقلاب اسلامی» به دنبال آن هستیم تا دریابیم که انقلاب اسلامی و نظریه‌پردازان آن، با چه رویکرد و با چه چهارچوبی به دنبال تغییر بینش مردم نسبت به شعر هستند.

آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۱۸ در مشهد به نیا آمد. علاقه ایشان به شعر از دوران تحصیل در حوزه علمیه مشهد آشکار شد. این علاقه تا آن جا پیش رفت که او را به انجمن ادبی فردوسی کشاند که شنبه شب‌ها تشکیل می‌شد. رفته‌رفته نقد و بررسی‌های او به حدی رسید که برخی از شاعران انجمن، شعرهایشان را پیش از خواندن در جلسه، به طلبه جوان می‌دادند تا نظرش را بگیرند (بهبودی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵). علاقه ایشان به شعر، در دوران

نهضت اسلامی و حضور در زندان‌های رژیم پهلوی، به سمت ادب عرب نیز سوق پیدا کرد. در میان شاعران عرب، «محمد مهدی جواهری» به دو دلیل توجّه آیت‌الله خامنه‌ای را به خود جلب کرد؛ نخست این که جواهری به دلیل پرورش ادبی و دینی اصیلش، زبان و بیان عربی‌ی اصیلی دارد و دیگر این که به رنج‌ها و آرزوهای مردم توجّه می‌کند (آذرشب، ۱۳۹۸: ۴۲). توجّه و اهتمام رهبر انقلاب اسلامی به ادبیات به ویژه شعر، حتّی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مسئولیت‌های سیاسی ایشان به قوّت خود باقی ماند. نشست‌های نیمه رمضان و دیدار با شاعران در مناسبت‌های گوناگون نمود عینی نگاه ویژه ایشان به شعر است. در این میان، نشست‌های نیمه رمضان از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار است؛ سخنان رهبر انقلاب اسلامی درباره شعر که عمدتاً در نشست‌های نیمه رمضان مطرح می‌شود، از برای ترسیم چهارچوب نظریه شعر انقلاب اسلامی مهم و اساسی به نظر می‌رسد. چرا که ایشان یکی از شخصیت‌های برجسته در وقوع انقلاب اسلامی و نیز تدوین و تشریح مبانی آن به شمار می‌روند. از سویی دیگر، اطلاعات گسترده ادبی و نگاه ویژه و تخصصی ایشان به ادبیات موجب شده تا بتوانیم ایشان را نظریه‌پرداز شعر انقلاب اسلامی بدانیم؛ بنابراین، در این جستار تلاش خواهیم کرد با توصیف و تحلیل سخنان ایشان درباره شعر، به چهارچوب نظری شعر انقلاب اسلامی دست یابیم.

نوشتار حاضر، نخستین تلاش برای واکاوی، توصیف و تحلیل سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره شعر و ادبیات نیست و آخرین آن هم نخواهد بود. پیش از این باید به کتاب «شرح غم پنهان» اشاره کرد که توصیه‌های رهبر معظم انقلاب را درباره شعر و شاعری در ۴۸ صفحه در بر دارد و در سال ۱۳۸۶ چاپ شده است (نوری، ۱۳۸۶). «هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری» است که همان گونه که از نام آن مشخص است دربردارنده بخشی از سخنان ایشان درباره هنر است که عمدتاً در دهه شصت بیان شده‌اند. «امین زبان و ادب فارسی» کتاب دیگری است که حاوی راهکارهای علمی و عملی رهبر انقلاب درباره پویش و گسترش زبان فارسی است (مقیسه، ۱۳۹۵). «رسم شاعری» کتاب دیگری است که به تدوین موضوعی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره شعر اختصاص یافته است (وحیدزاده، ۱۴۰۰).

اسلام، اساس نظریه شعر انقلاب اسلامی

همان گونه که از ترکیب «انقلاب اسلامی» برمی آید، شالوده اصلی جهان بینی و گفتمان انقلاب سال ۱۳۵۷ را باید در ایدئولوژی اسلامی پیگیری کرد. پر بیراه نیست اگر نظریه شعر انقلاب اسلامی را نیز برگرفته از مفاهیم و آموزه های قرآنی و دینی بدانیم:

حمایت از آفرینش های شعری و هنری در نظام جمهوری اسلامی، چیزی الهام گرفته از قرآن و روش پیامبر خدا و گیشوایان معصوم است و انقلاب اسلامی در محتوای خود جانبدار و حق گذار هنر و ادبیات است. ادبیات و هنر به عنوان زبانی برای تعبیر بالاترین اندیشه های اسلامی در سراسر تاریخ اسلام جایگاهی ممتاز داشته و امروز نیز باید داشته باشد (پیام به کنگره بزرگداشت سعدی شیرازی ۱۳۶۳/۹/۴).

خداوند در قرآن کریم در یک موضع گیری صریح پیرامون شعر از شاعران سخن به میان می آورد:

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَأَهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند. آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ و سخنانی می گویند که عمل نمی کنند؟

همین موضوع حکایت از این دارد که عنصر مؤلف در ادبیات، نقشی بسیار حیاتی دارد. خداوند در ادامه، شاعرانی را مشخص می سازد که سه ویژگی دارند:

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ اتَّصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (الشُّعْرَاءُ، ۲۲۷-۲۲۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشان برمی خیزند. آنها که ستم کردند بزودی می دانند که بازگشتشان به کجاست.

در آیات فوق خداوند برای شاعرانی که مورد تأیید نیستند سه نشانه ذکر کرده است: «۱- اینکه پیروان آنها گروه گمراهانند و با الگوهای پنداری و خیالی از واقعیت ها می گریزند. ۲- آنها مردمی بی هدفند و خط فکری آنها به زودی دگرگون می شود و تحت تأثیر هیجان ها به آسانی تغییر می پذیرند. ۳- آنها سخنانی می گویند که به آن عمل نمی کنند. حتی در آنجا که واقعیتی را بیان می دارند، خود مرد عمل

نیستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۷۸) در مقابل این گروه از شاعران، خداوند گروه دیگری از شاعران را معرفی می‌کند. وارد شدن به این گروه، با رعایت شروطی به این شرح است:

«شرط یکم: ایمان؛ آن عنصر فعال روانی است که حیات آدمی را بر مبنای اصول و قوانین فطرت رو به رشد و کمال از یک پدیده طبیعی محض به حیات معقول مبدل می‌سازد. آن حیات معقول که پاسخ‌گوی سؤالات نهایی بشری است.

شرط دوم: عمل صالح است که از ایمان بر می‌آید. می‌دانیم که در صدر اسلام هجو و اهانت به کسانی که با شعر به هجو و تحقیر اسلام و مسلمین می‌پرداختند، از بهترین اعمال صالح به شمار می‌رفته است (زیادی، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

شرط سوم: فراوان به یاد خدا بودن.

بر اساس رویکرد اسلام به ادبیات و از آن جایی که اسلام نیز یک مکتب فکری به شمار می‌رود، شعر باید در خدمت آموزه‌های اسلامی قرار بگیرد. در نظریه شعر انقلاب اسلامی هم، شاعر باید به دنبال رضایت الهی باشد و شعر را در مسیری استفاده کند که خداوند از او انتظار دارد:

این جرم نیست که اسلامی‌ها می‌خواهند هنر در خدمت ارزش‌های اسلامی قرار بگیرد. همه مکاتب و همه جوامع دنیا، همین طورند. ارزش‌هایی در ذهنشان وجود دارد که با ارزش‌های دیگری فرق دارد. آنان هنر نقاشی، طراحی‌های گوناگون، شعر، موسیقی و همه چیز را در خدمت این ارزش‌ها قرار می‌دهند. این، یک توقع زیادی نیست که جامعه اسلامی چنین انتظاری داشته باشد (بیانات در دیدار با اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما ۱۳۶۴/۱۲/۱۴).

...سهم وافر از این عطیه الهی را به کار ببرید در آنجایی که خدای متعال از شما توقع دارد، دین از شما توقع دارد؛ یعنی استفاده کنید از این، در راهی که خدای متعال می‌پسندد و راضی است. این جور نباشد که این ارزش والا را خدای متعال به شما داده، شما این را در راه خدا هیچ مصرف نکنید... (بیانات در دینار با شعرا ۱۳۸۹/۶۳).

جایگاه مهم شاعر به عنوان انسان هنری و فرهنگی

یک اثر ادبی را می‌توان به منزله یک چهار ضلعی در نظر گرفت که نخستین ضلع آن، نویسنده است.

قبل شاهنامه‌اش، شاعری حکیم، وطن‌دوست، مسلمان شیعه، با روحیه‌ای حماسی تصور کرد. حافظ را در لابلاهای غزل‌هایش، شخصی نکته‌سنج و باریک‌بین و حافظ قرآن می‌یابیم. او انسانی معتقد به دین خویش است که از زهد ریایی متنفر است و برخی گناهان را به این نوع زهد ترجیح می‌دهد. می‌توان همین‌طور شخصیت کلی دیگر شاعران را نیز ترسیم کرد. از آن جهت می‌گوییم کلی که به جز جهان‌بینی و چهارچوب فکری شاعر، عوامل دیگری نیز می‌توانند در جریان آفرینش اثر تأثیرگذار باشند. در نگاهی کلی‌تر اگر به جریان شکل‌گیری مکاتب ادبی توجه کنیم، خواهیم دید که بیشتر این مکاتب در مکاتب فکری- فلسفی ریشه دارند. درست است که مفاهیم بعضی از مکاتب‌های ادبی - همچون کلاسیسم و رمانتیسم - در پرتو نمونه‌های پیش از آن مشخص شده است. فراموش نکنیم که بعضی از مکاتب‌های ادبی هیچ نمونه‌ای از پیش نداشته‌اند. بلکه به دنبال دیدگاه‌های فلسفی و فکری، نمونه‌های ادبی آن مکتب به وجود آمده است. مانند مکتب آگزیستانسیالیسم که از یک فلسفه شروع شد و به صورت یک مکتب ادبی ادامه یافت. همچنین رئالیسم سوسیالیستی که به فلسفه سوسیالیسم یا مارکسیسم بازبسته است که پیش از آن پدید آمده بود» (الکیلانی، ۱۳۷۶: ۳) با این حساب، اگر ادیان آسمانی را جدای از این که از جانب خداوند و از جهان ماورا نازل شده‌اند، یک مکتب فکری بدانیم که دارای جهان‌بینی ویژه خود هستند، دین به مفهوم عام آن می‌تواند موجبات شکل‌گیری یک مکتب ادبی را فراهم کند. تفکر دینی در این میان می‌تواند پایه مستحکم و قابل اطمینانی برای انسان و به ویژه هنرمند باشد. تفکر دینی، هنرمند را به خاستگاه ارزشها هدایت می‌کند تا اثر هنری خویش را بر اساس آن ارزش‌ها ارائه کند. تفکر دینی، هنرمند را متعهد می‌کند تا به اصول و مبادی معنوی اش پایبند باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

باید به این نکته توجه داشت که توجه به نقش پررنگ نویسنده در نظریه شعر انقلاب اسلامی، با آن چیزی که در نقد روان‌شناختی مطرح می‌شود، متفاوت است. «منتقدانی که به بررسی روان‌شناختی آثار ادبی می‌پردازند، خود را مجهز به دانشی می‌دانند که قادر است تمایلات ناخودآگاه و فحوهای ندانسته را کشف کند و مقاصد ناشناخته را آشکار سازد. جلوه‌گر ساختن مفاهیم نهانی، در ورای مفاهیم عرضه شده در متن، هدف اصلی آنهاست. غرض آن است که رابطه میان اثر و ضمیر ناخودآگاه نویسنده عیان گردد. بی‌آنکه درباره نقشی که اراده آگاهانه نویسنده یعنی «من اجتماعی»

او در این میان بازی کرده است، پیش داوری شود. بدین ترتیب اثر ادبی از دیدگاه روان‌شناسان، علامتی است مانند علائم یک بیمار روانی که از ضمیر ناخودآگاه نویسنده خبر می‌دهد و شناخت این ضمیر به نوبه خود روشنگر اثر ادبی است» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۲۸). نظریل شعر انقلاب اسلامی با نقد روان‌شناختی از دو جهت متفاوت است: ۱- تکیه نقد روان‌شناختی بر نویسنده، پس از خلق اثر ادبی است. به این معنا که نویسنده وقتی برای روان‌شناس اهمیت دارد که تمایلات ناخودآگاه خود را در اثر ادبی جاری کند، اما توجه اسلام به نویسنده، هم پیش از آفرینش اثر ادبی و هم پس از آن است. از منظر انقلاب اسلامی نویسنده را از آن جهت که یک انسان است و با خلق اثر خود می‌تواند در کمال یا سیر قهقرایی دیگر انسان‌ها نقش داشته باشد، مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه اسلام نیز، شاعری که سرگردان باشد، انسان‌ها را به دنبال خود به سرگردانی می‌کشاند. به بیان دیگر اهمیت رویکردها و اعتقادات شاعر و نویسنده که پیش از خلق اثر در او وجود دارند و تأثیر این اعتقادات در اثر و انتقال آنها از طریق اثر ادبی به مخاطب، دو رویه اهمیت نویسنده را از دیدگاه اسلام شکل می‌دهد. از همین منظر، در سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شاعر به عنوان آفریننده اثر، مهم و تأثیرگذار است. به همین دلیل برای شاعر در درجه نخست به عنوان یک انسان هنری و فرهنگی وظایفی در نظر گرفته می‌شود:

انسان هنری و انسان فرهنگی در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است... اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۸۸/۶/۱۴).

به دلیل همین جایگاه مهم، شاعر به عنوان یک انسان فرهنگی و هنری که می‌تواند بر جامعه تأثیر بگذارد، باید به معرفت دینی عمیق مجهز شود:

نکته دیگری که می‌خواهم به شعرای عزیزی که اینجا هستید و شعرای دیگری که جزو مجموعه و جریان شعر انقلاب محسوب می‌شوند، عرض بکنم، این است که شاعر زمان ما با این ویژگی‌هایی که این زمان دارد، احتیاج دارد به معرفت دینی عمیق، امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید، چه خودتان بدانید، چه ندانید، چه تصدیق بکنید یا نکنید، برای بسیاری از ملت‌ها الگو و اسوه شده‌اید

(بیانات در دیار با شعرا ۱۳۸۹/۶۷۳).

معناگرایی و مخاطب‌گرایی در شعر انقلاب اسلامی

با نگاهی گذرا به نظرات ادیبان و فیلسوفان غرب، در قرون اخیر درمی‌یابیم که مسأله هدف هنر و جایگاه معنا در هنر و ادبیات یکی از محورهای اساسی نظرات آنها بوده‌است. سمبولیسم از نخستین مکاتب ادبی است که می‌توان تأکید بر عدم صراحت در اثر ادبی را در آن جستجو کرد. آنها بر این باور بودند که «نظریات ما در باره طبیعت، عبارت از زندگی روحی خودمان است. مائیم که حس می‌کنیم و نقش روح خود ماست که در اشیاء منعکس می‌گردد. وقتی انسان مناظری را که دیده‌است، با ظرافتی که توانسته‌است درک کند، مجسم سازد، در حقیقت اسرار روح خود را برملا می‌سازد. خلاصه تمام طبیعت سمبول وجود و زندگی خود انسان است» (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۸۵۹). برطبق این نظریات سمبولیست‌ها اثر ادبی باید به گونه‌ای باشد که خواننده در مواجهه با آن بتواند بر پایه روحيات خود با آن ارتباط برقرار کند و به آن بار معنایی دهد.

ژان پل سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰) به عنوان یکی از کسانی که در مورد ادبیات سخن گفته‌است این چنین می‌نویسد: «کانت در مبحث نقد حکم به بررسی زیبایی و هنر می‌پردازد و این نکته را که پس از او بسیار تکرار کرده‌اند، بیان می‌کند که احساس زیبایی عاری از قصد انتفاع است. یعنی هیچ سودی بر آن متصور نیست. ما از زیبایی برای خود زیبایی لذت می‌بریم نه برای غایتی که بیرون از آن باشد. یا به عبارت دیگر زیبایی غایتی است که خود غایت ندارد» (سارتر، بی‌تا: ۷۵). سارتر در ادامه این سخن کانت می‌نویسد: «ما با کانت هم عقیده‌ایم که اثر هنری غایتی ندارد» (همان). سوررئالیست‌ها به عنوان یکی از مخالفان جریان هنر برای هنر بر این باور بودند که شعر باید به جایی رهبری کند. از دیگر کسانی که در این باره سخن پراکنی کرد، تئوفیل گوتیه (۱۸۱۱-۱۸۷۲) نویسنده و شاعر فرانسوی قرن ۱۹ و نخستین کسی است که نظریه هنر برای هنر را به عنوان مکتب هنری و ادبی اعلام کرد. بر طبق نظر او هنر وسیله نیست؛ هدف است و این هدف فقط زیبایی است و زیبایی امری بی‌فایده است و هرچیز که مفید باشد زشت است (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۴۷۷). بودلر (۱۸۲۱-۱۸۶۷) نیز در نگاه خود به شعر و هدف آن اینگونه بیان می‌کند که «شعر جز خود هدفی ندارد. هیچ شعری چندان بزرگ و برجسته و به راستی شایسته نام شعر نمی‌تواند شد، مگر آنکه تنها به خاطر

سرودن شعر، سروده شده باشد (همان). همان گونه که از این سخنان که چکیده‌ای از نظرات ادیبان و پژوهشگران غربی است برمی آید، مسأله معنا و هدف بیرونی هنر و ادبیات از جانب رویکردهای ادبی غرب تحت الشعاع قرار گرفت و زیر سوال رفته است.

موج فرمالیسم و ساخت‌گرایی آن چنان خیز بلندی داشت که هنوز هم گریبان‌گیر ادبیات شرق و غرب شده است. آنها بر این باورند که شعر چیزی جز فرم نیست که در نهایت به نظراتی چون هرمنوتیک جدید و نقد خواننده‌مدار منجر شد. در هرمنوتیک جدید معنا وابسته به خواننده است و در نقد خواننده‌مدار، معنی متن را خواننده مشخص می‌کند. البته باید به تفاوت میان هرمنوتیک سنتی و مدرن توجه کرد، چرا که هرمنوتیک‌های سنتی چون شلایر ماکر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) بر این باور بودند که متن معنای واحدی دارد، اما پی‌بردن به منظور نویسنده آسان نیست و چه بسا خواننده به معانی پی‌برد که نویسنده از آن اطلاعی ندارد، اما هرمنوتیک‌های مدرن مانند هیدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶) و گادامر (۲۰۰۲-۱۹۰۰) معنای متن را به خواننده و خوانش او وابسته می‌دانند (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۴: ۳۱۴). در واقع هرمنوتیک‌های مدرن به دنبال تأویل و تفسیر متن و یافتن دلالت‌های متن هستند، بدون آن که توجهی به نیت مؤلف داشته باشند. اگرچه دغدغه هرمنوتیک‌های سنتی چون شلایر ماکر با تفسیر کتب مقدس آغاز شده باید میان تأویل هرمنوتیک‌ها از متن و تفسیر قرآن تفاوت اساسی قائل شد. نخست اینکه نیاز قرآن کریم به تفسیر، به جهت نداشتن معنای مشخص یا غموض نیست. «تفسیرپذیری قرآن بدین جهت است که از گزند تقریب بداهت منزّه و از آسیب افراط تعمیمه مصون است. نه آن قدر ساده است که نیازی به تحلیل مبادی تصویری و تصدیقی نداشته باشد و نه آن چنان پیچیده و مبهم است که نظیر معما از قانون مفاهمه و فرهنگ گفتگو خارج باشد و در دسترس تفسیر قرار نگیرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۶) دیگر آنکه خواننده در تفسیر قرآن و برداشت از آن کاملاً آزاد و رها نیست که بر اساس چهارچوب ذهنی خود معنایی را به متن تحمیل کند. مانند آنچه که در هرمنوتیک امکان‌پذیر است. برای تفسیر قرآن کریم بایستی به منابعی چون خود قرآن، سنت ائمه معصومین مراجعه کرد و تفسیری که از استفاده از این منابع محروم باشد، تفسیر به رأی نامیده می‌شود که نا صواب است. این نوع تفسیر و برداشت از آیات قرآن در احادیث ائمه ناپسند دانسته شده است (همان، ۵۹). بر پایه این توضیحات هرمنوتیک به ویژه در معنای مدرنش بر آیات قرآن قابل

تحمیل نیست. به بیان دیگر برداشت از متن به عنوان مجموعه‌ای از واژگان که تهی از معنای مشخص است از منظر اسلام پذیرفتنی نیست.

در مکتب‌های ادبی غربی نوعی متن محوری و مخاطب‌محوری دیده می‌شود. در مقابل این نظریات، بر اساس سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شعر انقلاب اسلامی شعری معناگراست و البته نه معنا محور و مخاطب‌گراست نه مخاطب‌محور. مخاطب‌محوری در نقد ادبی بدین معناست که مخاطب در برداشت از متن آزاد است، اما در شعر انقلاب اسلامی، شاعر در برابر مخاطب خود مسئول است؛ بنابراین در وهله نخست باید نسبت به مسأله مخاطب واکنش نشان دهد و شعری موضع‌مند و زنده داشته باشد. به بیانی دیگر، شعری که در برابر اتفاقات روز بی تفاوت است، شعری مرده به شمار می‌رود. ارزش شعر در نظریه شعر انقلاب به همراهی آن با ملت است:

شاعر نمی‌تواند بگوید من از ملت جدایم، یا به ملت اعتنا نمی‌کنم. اگر کسی بگوید من با ملت نیستم، آن قدر ارزش ندارد؛ یعنی واقعاً در مقیاس و معیار تاریخ، یک چیز بی‌ارزش است... واقعاً این نکته مهمی است که آدم ببیند الآن حیات اجتماعی این ملت از او چه می‌زلبد = دنبال آن برود (بیانات در دیدار با شعرای سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹/۱/۳۱)

یک مسأله مسأله شعرهایی است که در قضایای جاری کشور گفته شده، که خب خوش‌بخانه در این دوره خودمان شعرایی که این شعر زنده و موضع‌دار را از آنها می‌شنویم کم نیستند (بیانات در دیدار با شعرا ۱۳۹۵/۳/۳۱).

از جمله کارهایی که خیلی خوب است در کشور ما که بحمدلله در این جلسه هم آثارش دیده شد و قبلاً هم دیده شد و من خیلی از این راضی هستم، واکنش سریعی است که شعرای جوان ما به حوادث نشان می‌دهند. این خیلی باارزش است. این خیلی خوب است... (بیانات در دیدار شعرا ۱۳۹۴/۴/۱۰).

در درجه بعد، شاعر باید به گونه‌ای بسراید که مخاطب بتواند با اثر او ارتباط برقرار کند. سخن گفتن در زبانی که مردم چیزی از آن درنیابند، در نظریه شعر انقلاب اسلامی ارزشمند نیست، اما این بدان معنا نیست که زبان آراسته و پیراسته نباشد، بلکه شاعر در عین این که باید به زبان مردم سخن بگوید، باید تلاش کند با شعر خود، سطح مردم را بالا ببرد:

می‌گویند که آقا این شعرهای قلمبه سلمبه را که بخوانیم، مردم نمی‌فهمند. خب، بله بعضی از شعرها واقعا همین جور است؛ از سطح عمومی مردم بالاتر است. یعنی یک آدم ادیب و شاعر و باذوق هم باید دقت کند تا معنا را بفهمد. اینها را ما توصیه نمی‌کنیم. لیکن توجه داشته باشید، ذهن مردم و تلقی مخاطب با خواندن شما بالا می‌آید... (بیانات در دیدار با شعرای آیینی ۱۳۹۰/۳/۲۵)

معناگرایی بدین معناست که در شعر انقلاب اسلامی، «چه چیز گفتن» مهم است و البته چگونه گفتن نیز بایستی مد نظر قرار گیرد. بنابراین، شعر در گفتمان ادبی انقلاب اسلامی باید از لحاظ فرم هنری و معنا، هر دو، در اوج باشد؛ بدین معنا که شاعر باید معانی والا را در فرم هنری بیان کند. این نکته از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر شاعر معانی والا را در فرمی ضعیف ارائه کند، آن شعر ارزش پایینی خواهد داشت:

آن چیزی که در شعر اصالت دارد: زبان قوی، تخیل قوی، نگاه روشن به مرزهای دور و دقت و ریزی در امور جاری زندگی، این چیزهایی که لازم است در شعر وجود داشته باشد تا شعر، شعر باشد... پس هم زبان هست، هم مضمون و محتوا (بیانات در دیدار با شعرا ۱۳۸۹/۶/۳)

الف) توجه به چگونه گفتن (فرم هنری)

بعضی از شعرهایی که جوان‌های ما می‌گویند، از لحاظ لفظ، آن توانایی و کشش لازم را ندارد. گاهی مضامین خوبی به ذهنشان می‌رسد، لیکن لفظ از لحاظ دستور زبان اصلاً غلط است؛ یعنی فقط ممتاز نیست، عالی نیست، حتی غلط است. فعل باید بیاید، نیامده، فعل بیجا آمده، فعل باید با موارد مشابه خودش تطبیق کند، تطبیق نمی‌کند. گاهی اشکالات این جوری دارد (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۹۱/۵/۱۴).

ما می‌خواهیم شعر شما در قله قرار بگیرد. ما دنبال این هستیم. یکی از ابزارهایش الفاظ است؛ لفظ‌های زیبا، لفظ‌های فاخر، لفظ‌های جاافتاده. گاهی انسان می‌بیند شعرها شعرهای خوبی است، [ولی] در آنها الفاظ نپخته یا نابجا وجود دارد. اینها خوب نیست (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۹۵/۳/۳۱)

شعر فقط معنا نیست، فقط مضمون نیست؛ ترکیب و شاکله هنری و بافت و اسلوب هنری، شرط اصلی است تا [اثر] بتواند ان شاء الله ماندگار و اثرگذار باشد (بیانات در دیدار جمعی از شعرا

۱۳۹۳/۴/۲۱).

بگویید! خوب بگویید! من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار به میدان بیاورید. نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۸۷/۶/۱۴).

(ب) توجه به چه چیز گفتن (معنا)

در بخش گذشته شروطی را که قرآن برای خروج شاعران از جرگه گمراهان برشمرده بود، ذکر کردیم. منفعت شرط یکم و نتیجه سازنده آن عبارت است از اجتناب شاعر از پرداختن سخنانی که به محتویات آنها ایمان ندارد. از طرف دیگر چنین شاعری از اعماق وجدانش دریافت می‌کند که او رسالتی درباره انسانها دارد و انسانها از دیدگاه والای او نهال‌های باغ خداوندی هستند. بنابراین، وقتی نبوغ شعر نصیب شاعر گشته، به جای واقعیت‌ها و حقایقی که انسان‌ها تشنه آنها هستند، سخن‌های بیهوده و خرافات را با آرایش قافیه و وزن و الفاظ زیبا و نکته‌پردازی‌های شگفت‌انگیز و بی‌اساس، به مغز انسان‌ها وارد می‌کند (الکیلانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). البته گفتیم که این به معنای صرف نظر کردن از شگردها و ترفندهای هنری نیست. زبان هنرمندانه قرآن به همراه عرضه معانی والا، خود نمونه کاملی از این نوع ادبیات است. «بدین گونه قرآن به جز دیگر جهات و جنبه‌های بسیار مهم آن، از نظر لفظ و بلاغت، زیبایی و فصاحت و وفور عنصر ادبی در آن، نمونه‌ای مانند ناپذیر است» (حکیمی، ۱۳۸۲: ۳). از سوی دیگر مکتب اسلام بر خلاف مکتب‌های غربی که این جهانی هستند، مکتبی آن جهانی است و به همین دلیل در ارائه دستورات، به جهان دیگر توجه می‌کند. به همین سبب برای قضاوت در مورد شعر که یک عمل انسانی است با همین دید نظر می‌دهد و در صورتی شعر را تأیید می‌کند که به مثابه عمل صالحی برای شاعر باشد. به بیان دیگر شاعر باید به سروده خود به عنوان عملی صالح برای توشه آخرت نگاه کند و نه چیز دیگری. از منظر اسلام «هنر وسیله‌ای برای رسیدن به کمال است. آن چنان که علم نیز اینچنین است و آن چنان که جمال و زیبایی نیز وسیله‌ای برای وصول به کمال است، مشروط بر آن که جمال را در یابیم و اجازه ندهیم تا زیبایی، ما را از درک حقیقت باز دارد» (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

بر پایه سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، شاعر باید به دنبال مضمون عالی باشد و فرم هنری به

تنهایی نمی‌تواند یک شعر ارزشمند به مخاطب ارائه دهد. ایشان به صورت مصداقی مهمترین محورهای معنوی شعر انقلاب اسلامی را برشمرده‌اند:

معارف دینی، اخلاق و معرفت

غیر از بیان احساسات، شعر مسئولیتی هم دارد. به نظر من آن مسئولیت عبارت است از این که باید در خدمت دین و انقلاب و اخلاق و معرفت باشد... باید شعرای ما در این جهت، مضمون‌آفرینی کنند... شعر باید بتواند به معرفت مردم، به دین مردم، به اخلاق مردم... خدمت کند (بیانات در دیار با شعرا ۱۳۹۱/۵/۱۴)

مسائل روز دنیای اسلام

تأکید می‌کنم، همان طور که در شعرهای شعرای عزیزمان مشاهده کردیم و همچنین در برخی از اشعار مداحان عزیز شت‌نیدیم، امروز دنیای اسلام نیازمندی‌هایی دارد. دنیای اسلام امروز در یک مرحله حساس تاریخی دارد به سر می‌برد. اینهایی که شما ملاحظه می‌کنید - آل سعود آن جوری، یمن آن جوری، عراق این جوری، سوریه آن جوری، مسائل مربوط به آمریکا، مسائل مربوط به رژیم صهیونیستی، کارهایی که در منطقه می‌کنند، تصمیم‌هایی که می‌گیرند، فشاری که روی جمهوری اسلامی می‌آورند... در چنین شرایطی که دنیای اسلام در واقع از یک پیچ تاریخی دارد عبور می‌کند، ما وظیفی داریم، ما تکالیفی داریم، هر کدامان به یک نحوی. نمی‌توانیم غفلت کنیم از نیازهای امروز دنیای اسلام. در رأس این نیازها هم، نیازهای جمهوری اسلامی است... (بیانات در دیار با شعرای ایینی و مداحان مشهد ۱۳۹۵/۴/۲۴).

ارزش‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی

شما ببینید چطور این شعر انسان را منقلب می‌کند و هزاران بیت از این قبیل هست. قسمت دیگر معارف اسلامی است که امروز با معارف انقلابی که ما به آن سیاست می‌گوییم، انطباق پیدا می‌کند. هیچ شعری نباید از این مطالب خالی باشد. اینها معارف اسلامی است... (سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت ۱۳۶۹/۱۰/۱۷).

ما این قدر مفاهیم عالی انقلاب داریم. انقلاب حرف نو در دنیا آورده. شوخی نیست. حالا جنجال و هوچی‌بازی و گرد و غبار کردن تبلیغات دشمنان علیه انقلاب هست... انقلاب حرف نوی آورده... این

پیام، پیام عدالت است، این پیام، پیام معنویت است؛ این پیام، پیام تکریم به معنای حقیقی انسان است؛ نه تکریم آمریکایی که سرتاپای آن دروغ و دغل است. اینها پیام‌های خیلی مهمی است. اینها را باید درست منتقل کرد... این ثروت عظیم شعر که یک ثروت کلی و یک ثروت عظیم ماندگار است، در این راه‌ها باید مصرف شود (بیانات در دیدار با شعرا ۱۳۸۷/۶/۲۵).

نکته دیگری که من می‌خواهم عرض بکنم، این است که شعر انقلاب هویتی دارد؛ در واقع، متصدی و مباشر و میدان‌دار ارائه گفتمان انقلاب اسلامی است... باید برای انقلاب حرف بزنید. باید برای گفتمان انقلاب تلاش و کار کنید (بیانات در دیدار با شعرا ۱۳۹۰/۵/۲۴).

دریافت

بر پایه تحلیل سخنان رهبر انقلاب اسلامی پیرامون شعر، می‌توان بایسته‌های شعر را در نظریه شعر انقلاب اسلامی اینگونه برشمرد:

۱- از آن جایی که انقلاب اسلامی ریشه در باورهای ژرف اسلامی دارد، نظریه شعر انقلاب اسلامی نیز برخاسته از رویکرد ادبی اسلام است

۲- شاعر به عنوان انسان فرهنگی: در نظریه شعر انقلاب اسلامی، شاعر پیش از آن که یک هنرمند محسوب شود، به عنوان انسانی فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند بر دنیای پیرامون خود اثربخش باشد. بنابراین باید خود را به معارف دینی عمیق مجهز کند.

۳- معناگرایی: معنا گرا بودن بدین معناست که شاعر در عین توجه به آفرینش فرم هنری، باید به آن چه می‌گوید آگاه باشد و در مضمون یابی دقت کافی را داشته‌باشد. بنابراین در نظریه شعر انقلاب اسلامی، دو وجه جمال‌شناسیک و محتوای شعر، ارزش شعر را تعیین می‌کنند. علاوه بر این، پرداختن به ارزش‌های انقلاب اسلامی، مسائل روز دنیای اسلام و معارف دینی و اخلاقی از جمله مهمترین موضوعاتی است که شاعر باید به آن بپردازد.

۴- مخاطب‌گرایی: مخاطب گرا بودن در نظریه شعر انقلاب اسلامی بدین معناست که اولاً: شاعر باید نسبت به جامعه و ملت خود و حوادثی که پیرامونش رخ می‌دهد، موضع دارد باشد و واکنش سریع نشان دهد و ثانیاً شعر خود را به زبانی بسراید که برای مخاطب قابل فهم باشد؛ نا گفته نماند که سرودن شعر به زبان مردم نباید شاعر را در دام زبان شکسته و نادرست بیندازد.

منابع

الف) کتاب

قرآن کریم.

آذرشب، محمدعلی (۱۳۹۸). خون دلی که لعل شد. چاپ سوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
 بهبودی، هدایت الله (۱۳۹۲). شرح اسم، زندگی نامه آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، چاپ دوم،
 تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
 جعفری، محمدتقی. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،
 ۱۳۸۹

وادی آملی. تسنیم. قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸

حکیمی، محمدرضا. ادبیات و تعهد در اسلام. تهران، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲

زرین کوب، عبدالحسین. ارسطو و فن شعر. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷

زرین کوب، عبدالحسین آشنایی با نقد ادبی. تهران، نشر سخن، ۱۳۸۳

زیادی، عزیزاله. شعر چیست. تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰

سارتر، ژان پل. ادبیات چیست. ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران، نشر زمان، بی تاریخ

سیاحی، صادق. الادب الملتزم بحب اهل البیت. تهران، انتشارات سمت ۱۳۸۲

سیدحسینی، رضا. مکتب‌های ادبی. جلد اول، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۸۷

شمیسا، سیروس. نقد ادبی. تهران، نشر میترا، ۱۳۸۱

صفوی، کوروش. نگاهی به ادبیات از دیدگاه زبان شناسی. تهران، انجمن شاعران ایران، ۱۳۸۴

فتوحی، محمود. نظریه تاریخ ادبیات. چاپ دوم، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۷

کالر، جاناتان. تئوری ادبی. ترجمه حسین شیخ الاسلامی، چاپ اول، تهران: نشر افق، ۱۳۹۰

کیت، گرین. درسنامه نظریه و نقد ادبی. گروه مترجمان. تهران، نشر روزگار، ۱۳۸۳

الکیلانی، نجیب. اسلام و مکاتب ادبی. ترجمه نوید کاکاوند، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات

اسلامی، ۱۳۷۶

مدد پور، محمد. حکمت انسی. تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷

- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. جلد پانزدهم. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱
- نقی زاده، محمد. مبانی هنردینی در فرهنگ اسلامی. تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴
- وحیدزاده، محمدرضا. رسم شاعری، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان ۱۴۰۰
- هنرمندی، حسن. از رماتیسیم تا سوررئالیسم. تهران، امیرکبیر ۱۳۸۶
- (ب) مقالات
- سجودی، فرزانه. «مرگ مولف یا نشانه شدن مولف». کلک: شماره ۱۳۶، صص ۲۶-۲۳، ۱۳۸۱
- سیدی، سیدحسین. «مولفه‌های تصویر هنری در قرآن». فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. پیاپی ۲۷، صص ۱۱۶-۱۰۵، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸
- قویمی، مهوش. «رولان بارت و نقد نو». کیهان فرهنگی. شماره ۴۶. صص ۳۰-۲۸، تهران، مؤسسه کیهان، دی ماه ۱۳۸۹
- (ج) بیانات مقام معظم رهبری
- ۱۳۶۹/۱/۶ بیانات در دیدار شعرای مشهد
- ۱۳۶۹/۱/۳۱ بیانات در دیدار شعرای سازمان تبلیغات اسلامی
- ۱۳۶۹/۱۰/۱۷ سخنرانی در دیدار مداحان اهل بیت
- ۱۳۶۹/۱۲/۱۴ بیانات در دیدار با اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما
- ۱۳۸۷/۶/۲۵ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۸۸/۶/۱۴ بیانات درد دیدار با شعرا
- ۱۳۸۹/۶/۳ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۹۰/۳/۲۵ بیانات در دیدار با شعرای آیینی
- ۱۳۹۰/۵/۲۴ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۹۱/۵/۱۴ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۹۳/۴/۲۱ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۹۴/۴/۱۰ بیانات در دیدار با شعرا
- ۱۳۹۵/۳/۳۱ بیانات در دیدار با شعرا

بیانات در دیدار با شعرا ۱۳۹۵/۴/۲۴